

بیت اول:

شد چنان از تَف دل، کام سخنور، تشنه که ردیف سخنش آمده یک سر، تشنه

تَف: گرما، حرارت کام: دهان سخنور: شاعر

نثر روان: از شدت گرمای وجود شاعر، دهانش خشک شد که تمام ردیف شعر خود را « تشنه » آورده است.

دل: منظور « وجود شاعر » تکرار: « تشنه » دو بار تکرار شده است

بیت دوم:

خشک گردید هم از دود دل و دیده دوات خامه با سوز رقم کرد به دفتر، تشنه

دیده: چشم دوات: ظرف مرکب، قلم دان خامه: قلم رقم کردن: نوشتن

نثر روان: مرکب قلم دان بخاطر آه و ناله‌ها و اشک‌های سوزناک شاعر خشک شد و قلم با ناله و سوز، واژه تشنه را می‌نوشت

نوشتن قلم با سوز: تشخیص دوات، خامه، قلم: مراعات نظیر

بیت سوم:

آه و افسوس از آن روز که در دشت بلا بود آن خسرو بی لشکر و یاور تشنه

آه: حسرت، افسوس خسرو: پادشاه « امام حسین » دشت بلا: کربلا

نثر روان: افسوس می‌خورم که امام حسین (ع) در روز عاشورا در دشت کربلا بدون لشکر و یاور بود.

دشت بلا: تشبیه « بلا به دشت تشبیه شده است » آه و آن: جناس

بیت چهارم:

با لب خشک و دل سوخته و دیده تر غرقه بحر بلا بود در آن بر، تشنه

بحر: دریا بر: خشکی، بیابان

نثر روان: امام حسین (ع) در حالی که لب‌هایش از شدت تشنگی خشک شده بود و دلش پر از ناراحتی بود و چشمانی اشکبار داشت، در کربلا به رنج و سختی زیادی گرفتار شده بود.

بحر بلا: تشبیه « بلا به بحر تشبیه شده است » بحر و بر: جناس

دل سوخته: کنایه از کسی که رنج زیادی تحمل کرده است بر و تر: جناس

بیت پنجم:

همچو ماهی که فُتد ز آب برون، آل نبی می‌تپیدی دلشان سوخته در بر، تشنه

آل نبی: خاندان پیامبر(ص)  بر: سینه 

نثر روان: قلب فرزندان پیامبر (ص) مانند ماهی که از آب بیرون افتاده باشد از شدت تشنگی در سینه می‌تپید.

همچو ماهی:  تشبیه 

بیت ششم:

آل احمد همه عطشان ز بزرگ و کوچک نسل حیدر همه از اصغر و اکبر، تشنه

عطشان: تشنه  نسل حیدر: فرزندان حضرت علی (ع) 

نثر روان: همهٔ خاندان پیامبر(ص) و حضرت علی (ع) از کوچک و بزرگ تشنه بودند.

بزرگ و کوچک:  تضاد  اصغر و اکبر:  تضاد 

بیت هفتم:

تشنه لب کشته شود در لب شط از چه گناه آنکه سیراب کند در لب کوثر تشنه؟

شط: رود بزرگ  کوثر: چشمه‌ای در بهشت 

نثر روان: امام حسین(ع) کسی است که در بهشت، تشنه‌ها را سیراب می‌کند. به چه گناهی باید در کنار رود بزرگ تشنه بماند و کشته شود؟

تشنه و سیراب:  تضاد 

بیت هشتم:

بُرد عباس جوان ره چو سوی آب فرات ماند بر یاد حسین تا صف محشر، تشنه

محشر: قیامت 

نثر روان: حضرت عباس(ع) که جوانمرد بود به آب رود فرات رسید ولی به یاد امام حسین و یارانش که همگی تشنه بودند آب ننوشید و تا روز قیامت تشنه ماند.

بیت نهم:

گشت از کلک فدایی چو دلش دود بلند بر ورق کرد رقم بس که مکرر تشنه

مکرر: پی در پی

کلک: قلم

نثر روان: فدایی « شاعر » از بس که بر روی دفتر واژه تشنه را نوشت، از قلم او هم مانند دلش دود و ناله بلند شد.

چو دل: تشبیه

دانش ادبی: ردیف

قافیه: به کلماتی که در انتهای هر مصراع بیایند و هم وزن باشند و در حرف آخر با هم مشترک باشند، قافیه گفته می شود.

ردیف: به کلماتی که دقیقاً عین هم باشند و بعد از قافیه بیایند، ردیف می گویند. یک شعر یا یک بیت می تواند ردیف نداشته باشد یا می تواند دارای ردیف باشد.

« مثال برای بیتی که هم ردیف دارد هم قافیه »

که ردیف سخنش آمده **یک سر**، **تشنه**

↓ ↓
ردیف قافیه

شد چنان از تَف دل، کام **سخنور**، **تشنه**

↓ ↓
ردیف قافیه

که با وی گفتمی گر **مشکلی بود**

↓ ↓
ردیف قافیه

مسلمانان مرا وقتی **دلی بود**

↓ ↓
ردیف قافیه

« مثال برای بیتی که ردیف ندارد »

بی نام تو نامه کی **کنم باز**

↓
قافیه

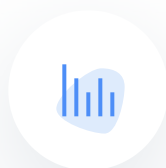
ای نام تو بهترین سر **آغاز**

↓
قافیه



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد